



سخنرانی های همگانی پاپ فرانسوا

تعمقی بر هفته مقدس

امروز می‌خواهم کمی بر هفته مقدس تعمق کنیم. هفته ای که با یکشنبه نخل - قلب تمام سال عبادی - شروع می‌شود و در آن عیسی را در رنج و مرگ و رستاخیزش همراهی می‌کنیم.

اما زیستن هفته مقدس برای ما به چه معنی است؟ همراهی کردن عیسی در سربالایی به سوی تپه صلیب و مرگ و رستاخیز یعنی چه؟ مسیح در مأموریت زمینی‌اش بر راههای سرزمین مقدس راه رفت و دوازده فرد ساده را فراخواند تا با او بمانند، تا در سفرش شریک شوند و مأموریتش را ادامه دهند. او آنها را از میان مردمی که سرشار از ایمان به وعده‌های خدا بودند برگزید. او بی‌فرق‌گذاری با همه سخن گفت؛ بالادست و زیردست، جوان ثروتمند و بیوه زن فقیر، قوی و ناتوان، او رحمت و بخشش خداوند را آورد؛ او شفا بخشید، دل‌داری داد و درک کرد؛ او امید داد؛ او حضور خداوند را برای همگان آورد، خداوندی که به هر مرد و زنی توجه دارد، چنان که پدر و مادری خوب به هر یک از فرزندان خود توجه دارند.

خداوند درنگ نمی‌کند تا ما به سوی او برویم، بلکه اوست که به سوی ما می‌آید، بدون محاسبه و کمیت‌سنجی. خداوند این گونه است. او همیشه قدم اول را برمی‌دارد، او به سوی ما می‌آید.

عیسی واقعیت روزانه معمولی‌ترین مردم را زیست؛ دربرابر جمعیتی که همچون گوسفندان بی‌شیان بودند تحت تأثیر قرار گرفت؛ او دربرابر غم مارتا و مریم در مرگ برادرشان ایلعازر اشک ریخت، او از یک خراجگیر دعوت کرد تا شاگرد او شود و همچنین از خیانت یک دوست رنج کشید. در او، خداوند به ما اطمینان داد که با ما و در میان ماست. عیسی گفت: "روباها را لانه هاست و مرغان هوا را آشیانه ها، اما پسر انسان را جای سرنهاندن نیست" (مت ۲۰: ۸) عیسی خانه ای ندارد، چراکه سرای او، مردم اند، جایگاه اقامت او ما هستیم، مأمورت او گشودن درهای خداوند به روی همه است، حضور محبت خداست.

در هفته مقدس ما لحظه تاجگذاری این سفر مقدس را زندگی می‌کنیم، نقشه محبتی که تمام تاریخ رابطه خدا و انسان را در خود گرد می‌آورد. عیسی به اورشلیم وارد می‌شود تا آخرین گام خود را که تمامی وجودش را در آن خلاصه می‌کند بردارد. او خود را بی‌هیچ خودداری می‌بخشد، او هیچ چیز برای خودش نگاه نمی‌دارد، حتی زندگی را. در شام آخر او نان را پاره می‌کند و شراب را "برای ما" تقسیم می‌کند. پسر خدا، خود را به ما تقدیم می‌کند، او تن و خون خود را به دست ما می‌سپارد، تا همواره برای ما باشد، تا در میان ما ساکن شود. و در باغ زیتون و همچنین در دادگاه دربرابر پیلاتس، هیچ مقاومتی بروز نداده، خود را ارزانی می‌کند، او همان خادم رنج‌بینی است که توسط اشعیا پیش‌بینی شده، همان که خویشان را تا سرحد مرگ از خود تهی می‌کند (اشع ۵۳: ۱۲) عیسی این محبت را که به قربانی او می‌انجامد، به شکل منفعلانه و همچون سرنوشتی محتوم تجربه نمی‌کند. به یقین او پریشانی عمیق انسانی خود را از این مرگ سخت پنهان نمی‌کند، بلکه با اعتماد کامل خود را به پدر تسلیم می‌کند. عیسی خود را داوطلبانه به مرگ سپرد تا با محبت متقابل به خدای پدر، در اتحاد کامل با اراده او، محبتش به ما را نشان دهد. عیسی بر روی صلیب "مرا محبت کرد و خود را برای من تقدیم کرد" (غلا ۲: ۲۰). همه ما می‌توانیم بگوییم: "مرا محبت کرد و خود را برای من تقدیم کرد". همه ما می‌توانیم این "برای من" را بگوییم.

تمامی اینها برای ما یعنی چه؟ یعنی این راه من، شما و ما هم هست. زیستن هفته مقدس، پیروی از مسیح است نه تنها با احساسات قلبی، بلکه به این معنی است که یادگیریم برای دیدن دیگران از خودمان بیرون بیاییم، به گوشه و کنار هستی برویم، تا اولین قدم را به سوی خواهران و برادرانمان برداریم، به خصوص آنانکه از بقیه دورترند،

آنها که فراموش شده اند، آنها که بیش از همه نیاز به درک شدن، آرامش دادن و یاری دارند. چه نیاز عظیمی هست به آوردن حضور زنده عیسا، حضوری پر از رحمت و سرشار از عشق.

زیستن هفته مقدس به معنی هرچه عمیقتر زیستن در منطق خداست، در منطق صلیب، که در حله نخست منطق رنج و مرگ نیست، بلکه بسا منطق محبت و هدیه کردن خویشتن است که زندگی به بار می آورد. زیستن هفته مقدس یعنی وارد منطق انجیل شدن. پیروی و همراهی کردن عیسی و با او ماندن نیازمند "بیرون آمدن از خویش" است، از ما می خواهد که بیرون بزنیم، از خویشتن به درآییم، بیرون از ملال زیستن با ایمانی از سر عادت، بیرون از وسوسه برگشتن به سمت نقشه های خودمان که به خاموش کردن کار خلاق خداوند می انجامد.

خداوند از خود بیرون آمد تا بین ما بیاید. او خیمه خود را میان ما برپا کرد تا رحمت خود را که نجات می بخشد و امید می دهد برای ما بیاورد. ما نیز اگر می خواهیم از او پیروی کنیم و با او بمانیم، نباید از ماندن در آغل ۹۹ گوسفند راضی و خرسند باشیم؛ ما نیز باید با او "بیرون" برویم و به دنبال گوسفند گمشده باشیم، همان گوسفندی که در دورترین جا سرگردان شده است. حتماً به یاد داشته باشیم: از خود بیرون آمدن درست مثل عیسی، درست همانطور که خدا در عیسی از خود بیرون آمد، و عیسی برای همه ما از خویش بیرون آمد.

ممکن است کسی به من بگوید: "پدر، اما من که وقت ندارم"، "خیلی کار دارم"، "خیلی سخت است"، "با این همه گناه و سستی با این همه چه کنم؟" ما معمولاً با اندکی دعا راضی می شویم، با شرکت پراکنده و نامتمرکز در آیین سپاسگذاری یکشنبه، با تعدادی کار خیر. اما شجاعت "بیرون آمدن" و آوردن مسیح برای دیگران را نداریم. ما کمی مثل پطرس قدیس هستیم. به محض آنکه عیسی از رنج و مرگ و رستاخیزش صحبت می کند و همچنین از هدیه خود و از محبتش برای همه، پطرس او را کنار می کشد و سرزنشش می کند. چیزهایی که عیسی می گوید نقشه های او را بهم می ریزد، غیرقابل قبول به نظر می آید، امنیتی را که برای خودش ساخته و ایده اش درباره مسیح را را تهدید می کند. عیسی به شاگردانش نگاه می کند و آنگاه رو به پطرس چیزی را می گوید که شاید تندترین کلام تمام انجیل ها باشد: "دور شو از من ای شیطان! زیرا افکار تو انسانی است نه الهی" (مر ۸: ۳۳). خدا همیشه با رحمت می اندیشد؛ هرگز این را فراموش نکنید. خداوند همیشه رحیمانه فکر می کند. او پدر بخشنده است. خدا مثل پدری می اندیشد که در انتظار پسر است و به دیدار او می رود، وقتی هنوز پسر در راه است، از دور او را می بیند...

این به چه معنا است؟ یعنی او هر روز بیرون می رفته است تا ببیند آیا پسرش به خانه بازمی گردد؛ این پدر پررحمت ماست. همچنین به این اشاره دارد که پدر هر روز در ایوان خانه اش انتظار پسرش را می کشیده است. خدا مانند آن سامری است که با نگاه از آن طرف جاده و فقط افسوس خوردن به حال مرد بخت برگشته، از بالای سر او رد نشد، بلکه بی چشمداشت به او کمک کرد؛ بدون اینکه بپرسد او یهودی است، کافر است یا سامری است، ندار است یا دارا؛ او هیچ چیز نخواست. او به کمکش رفت. خدا اینگونه است. خدا مثل شبانی فکر می کند که زندگی اش را می گذارد تا از گوسفندانش دفاع کند و آنها را نجات بدهد.

هفته مقدس زمان فیض است، زمانی که خداوند به ما می دهد تا درهای قلبمان را باز کنیم، درهای زندگی مان را، درهای کلیساهامان را - چه حیف که بسیاری کلیساها بسته است - درهای جنبش ها و انجمن ها و برای ملاقات با دیگران بیرون بیاییم، تا یکدیگر را به هم نزدیک کنیم، تا نور و شادی ایمان خود را برای دیگران ببریم. تا همیشه بیرون بیاییم! و تا این کار را با محبت و مهربانی خداوند انجام دهیم، با احترام و شکیبایی، درحالی که می دانیم، خداوند دستها و پاها و قلبهای ما را در برگرفته، آنها را راهنمایی می کند و تمامی کارهایمان را بارور می سازد.

امیدوارم همه ما این روزها را نیکو زندگی کنیم، با پیروی دلاورانه از خداوند، باشد که تابشی از محبت او را برای تمامی آنها که به دیدارشان می‌رویم، به همراه ببریم.

چهارشنبه ۲۷ مارس ۲۰۱۳

میدان سنت پیترو